

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیدهاشم سدید

۱۹.۰۱.۲۰۰۹

عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد

فردا، آقای اوباما کارش را به عنوان چهل و چهارمین رئیس جمهور امریکا با ورود پیروزمندانه در کاخ سفید و در اتاق بیضوی شکل این کاخ که مخصوص کار رئیس جمهور این کشور میباشد، آغاز مینماید. از جمله هشت کاندید دیگر حزب دموکرات امریکا، دو کاندید، خانم هیلاری کلینگتون و آقای جو بایدن نیز که در جریان مبارزات انتخاباتی، همراه با شش کاندیدای دیگر حزب دموکرات یکی پس از دیگری میدان رابه نفع اوباما ترک نمودند، اولی به صفت وزیر خارجه و دومی به حیث معاون ریاست جمهوری، در کابینه کاری اوباما شامل هستند.

از جمله هجده نفر که حزب دموکرات امریکا برای اشتراک در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸ امریکا در نظر گرفته بود نه نفر آن که در آن میان یک نفر سیاه پوست دیگر، آقای ال شاپتن، از جمله فعالین حقوق بشر نیز شامل بود، قبل از شروع انتخابات معذرت شان را به حزب پیش نمودند.

آقای اوباما برخلاف آقای ال شاپتن که در برابر سؤال یا تبصره ای به شوخی گفته بود:

" نخواهید هیلاری را بالای من قهرسازید"، به تاریخ ۱۰.۰۲.۲۰۰۷ آمادگی خویش را برای پذیرفتن کاندیدای حزب اعلام و پیشنهاد برخی از اعضای حزب را لیبیک گفت. در رأی گیری ای که به تاریخ ۰۳.۰۶.۲۰۰۸ در درون کانون رهبری حزب صورت گرفت اوباما توانست رأی مقدماتی لازم، غرض کاندید شدن برای چوکی ریاست جمهوری این کشور را از طرف حزب خویش، به دست آورد.

تا این جا، ظاهراً همه کار ها با هنجار ها و قواعد، و همانگونه که باید میبود یا همانگونه که باید باشد، انجام پذیرفت. ولی، جریان کاندیدای آقای اوباما آنقدر که بی دغدغه و بدون اشکال معلوم میشود، هم نبود.

برخی از اعضای هسته رهبری حزب بنابر بعضی ملاحظات، احتمالاً سیاه بودن یا دو رگه بودن یا دلایلی از همین قبیل چیزها، آماده نبودند که اوباما را به عنوان کاندیدای حزب برای کرسی ریاست جمهوری امریکا معرفی کنند. آن ها از این ترس داشتند که مبادا با معرفی وی به عنوان یکی از کاندیداهای حزب، شانسی یک کاندیدی را که اگر سفید باشد می تواند به خاطر سفید بودنش پیروزی بیشتری داشته باشد، دانسته و با دست خود کاهش بدهند.

این موضوع سبب بروز بحث داغی در میان هیأت رهبری حزب دموکرات شده بود، که آقای کلینگتون رئیس جمهور سابقه امریکا، عضو معتبر و مورد احترام حزب به داد اوباما میرسد و از وی دفاع نموده به حزب توصیه می کند که وی را نیز در شمار کاندیدا های حزب برای احراز کرسی ریاست جمهوری آن کشور معرفی نمایند و به اصطلاح عدو سبب خیر میشود.

نقش کلینگتون به عنوان یک بازیگر منفی در لباس یک دوست در کنار نقش منفی آقای بوش (انزجار مردم نسبت به سیاستهای ماجراجویانه و خطرناک آقای بوش در سطح جهان) سبب شد که آقای اوباما با شعار های باب ذوق مردم و شخصیت جذاب و زبان گرم و گیرای خویش بالاخره بر تمام کاندیدا های حزب دموکرات پیروز شود و بالاخره در نشست شهر کلورادوی ایالت دنور به عنوان تنها و آخرین کاندید حزب در برابر آقای مک کین معرفی گردد و در

پایان یک دوره مبارزاتی دشوار و هیجان انگیز به تاریخ ۰۴.۱۱.۰۸ برنده انتخابات نهائی شده به حیث رئیس جمهور آینده امریکا شناخته شود.

چرا آقای کلینگتون اصرار داشتند که او باما در جمله کاندیدا های ریاست جمهوری، که میتوانست در هیأت یک کاندیدای سرسخت در برابر سایر کاندیدا ها، به خصوص در برابر همسرش عرض وجود کند، گنجانیده شود؛ باوجودیکه از نیرو و پشتکار او باما و از سابقه مبارزاتی وی در انتخابات سنای الینویس در سال ۱۹۹۶ و انتخابات برای احراز کرسی سنای امریکا در سال ۲۰۰۵ و پیروزی های چشمگیر وی در هر دو انتخابات آگاه بود و از سحر صحبت گرم و افسون لیخند دوست داشتنی وی که سیمای یک مرد متفکر را بیشتر نشان میدهد تا نشاط درونی یک انسان را، همچنین از هنر استدلال وی در رابطه با قضایا با منطق کوبنده و خاص آقای او باما اطلاع داشت؟

جواب این چرا چنین است که آقای کلینگتون با شناختی که از سایر کاندیدا های حزب داشتند، به این اعتقاد بودند که شانس بُرد همسرش در برابر همه آنها بیشتر است. شانس او باما را نیز به خاطر سیاه بودن، دو رگه بودن و ملاحظاتی دیگر در برابر همسرش خیلی ناچیز میدانست. در مجموع، پیروزی همسرش را در برابر تمام آن کاندیداها صد در صد میدانست. آنگونه که در پایان کار مبارزات انتخابی ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸ امریکا دیده شد، پیش بینی آقای کلینگتون در حدود هشتاد و هشت در صد درست بود. تنها جایی که اشتباه نموده بود - در واقع گناهش هم نبود، زیرا از یک طرف از شعارها و برنامه های مبارزاتی او باما بیخبر بود، و از جانب دیگر از توان بی پایان وی در شناخت روان اجتماع خویش که به تاسی از آن تمام شعارها و صحبت هایش را تنظیم و ترتیب نموده نقطه حساس و نبض مردم را به دست گرفت - خطر او بامای ظاهراً بیخطر برای همسرش بود.

آقای کلینگتون به دلیل ترسی که از انتخاب شخصیت سفید دیگری که می توانست، به زعم وی شخصیت جذاب، مورد احترام عامه مردم و با سابقه کاری و اخلاق خوب باشد، و با این خصوصیات نیک خود در برابر هیلاری کلینگتون به پیروزی برسد، از کاندید شدن او باما از طرف حزب برای مبارزات انتخابی ریاست جمهوری حمایت نمود. او میخواست بدین وسیله همسرش را از روبرو شدن با یک شخصیت قوی ای که شانس بیشتری در برابر وی داشته باشد، به زعم خودش، نجات بدهد؛ ولی، به قول پهلوانان ما گاهی هم پهلوان به " چال " خود به زمین میخورد.

غرض از نوشتن این مقال تنها بیان و توضیح یک موضوع و یک جریان از هزاران موضوع و جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸ امریکا بود، و نه چیزی دیگر.

و اما انتظار معجزه از او باما برای رفع بیکاری و فقر و بحران اقتصادی امریکا و جهان و پایان دادن به خصومت ها و کشیدگیها در مقیاس جهان و ختم جنگ های پنهان و آشکار بر سر نفت و نابود کردن زرادخانه ها و بستن فابریکه های سلاح سازی و رفع گرسنگی در قاره های آفریقا و آسیا و امریکای لاتین و محو بی عدالتی های گوناگون در گستره جهان و پایان دشمنی ریشه دار عرب - اسرائیل و حل مشکل ایران و کوریا و کشمیر و افغانستان و هند و پاکستان و ... که شاید هیچ کدام به نفع امریکا نباشد و انجام خیلی از آن ها از عهده او باما هم بیرون باشد، در اینجا مطرح نیست. اگرچه او باما مرد مهربان و خوش قلب است! اگر چه او باما بوش نیست!! زیرا: شاید او باما عدل عمر را داشته باشد، ولی آنچه مسلم است او شمشیر عمر را ندارد!